

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ایسکرا

۸۲۹

سردبیر عبدال کلپریان

۸ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۲۷ آوریل ۲۰۱۶

Tel: ۰۰۴۹۷۲۰۰۷۷۶۵۴ تاشن تماس با ما

چرا با سیستم فدرالیستی در ایران مخالفید؟ مگر مثلا در آمریکا و یا آلمان فدرالیسم وجود ندارد؟ این چه بدی ای دارد؟



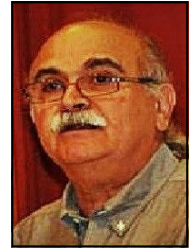
مشکلی با همدیگر ندارند. مردم در همزیستی و همبستگی با هم میتوانند زندگی کنند و سالهای سال است که با هم و در کنار هم

صفحه ۲

همزیستی مردمان این کشورها بر اساس حقوق شهروندی بود و اتکایشان از نظر قانونی و سیستم حکومتی هیچ سنخیتی با قومیت و ملیت و مذهب نداشت. آنها دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه را مبنای سیستم خود قرار دادند و به حقوق شهروندی متکی شدند و ایالتهایی را بر اساس مناطق و استان تقسیم کردند نه بر اساس قومیت و ملیت و...
ما در ایران و یا کشورهای منطقه اکنون با کشورهای شکل گرفته ای مواجه هستیم که مردم

محمد آستگران: ما با سیستم حکومتی فدرال مخالفیم زیرا این يك عقب گرد است نه طرحی برای پیشرفت جامعه. این طرح با هر تفسیری که خواهد همراه بشود عملا و با توجه به تجربیات دو دهه گذشته طرحی بر مبنای قومیت و ملیت و مذهب خواهد بود. جامعه را از مدنیت و حقوق شهروندی دور میکند و به قومیت و ملیت و مذهب متکی میکند. در جوامعی مانند آلمان و آمریکا و سوئیس دوره ای که این طرح را بنانهاوند به منظور تشکیل کشوری بزرگتر و

روز جهانی کارگر روز سوسیالیسم است! پیام حمید تقوائی بمناسبت اول ماه مه.

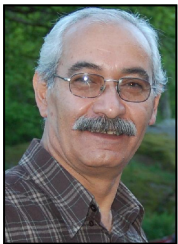


ترین شرایط معیشتی را به کارگران در همه کشورها، و به نود و نه درصد مردم دنیا که هم سرنوشت کارگران و قربانیان سلطه سرمایه اند، تحمیل کرده است، نه تنها وحشی ترین نیروها و دولتهای قومی و مذهبی را بجلو رانده و بر بسیاری از کشورها حاکم کرده است، بلکه موجودیت کره ارض و نفس زندگی و بقای بشری را در معرض تباهی و نابودی قرار داده است.
روز جهانی کارگر روز نقد و چالش سوسیالیستی این شرایط غیر

صفحه ۲

روز جهانی کارگر روز نقد و اعتراض سوسیالیستی علیه منجلائی است که سرمایه داری برجهان حاکم کرده است. نظام سرمایه داری امروز نه تنها سخت

به کارگران کولبر مرزی



عبدال کلپریان
آدمکشان رژیم اسلامی به کام مرگ میبرد و دهها مصیبت دیگر، از سوی حاکمان و کاربدستان رژیم اسلامی به شما

صفحه ۳

حرکت پیوسته و در مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. تجمع اعتراضی کارگران کولبر مرزی میتواند و باید خواستها و مطالبات اساسی آنان را متحقق کند.
شرایط مشقت بار زندگی شما هر روز مشقت بار تر از قبل شده است. عدم تامین حداقل زندگی اقتصادی، عدم امنیت جانی که سالانه تعداد زیادی از همکاران شما را بوسیله قداره بندگان و

بدنبال بسته شدن بسته شدن نوار مرزی و دیگر بازارچه های حمل و نقل کالا توسط جمهوری اسلامی، در هفته گذشته هزاران نفر از کولبران شهرهای بانه، مریوان، سردشت و سروآباد مقابل ادارات و فرمانداری ها دست به اعتراض زدند. این اعتراضات و همچنین اعتصاب بازاریان همچنان ادامه دارد. روز یکشنبه ۵ اردیبهشت کولبران مرزی پیرانشهر و مهاباد نیز به این

تجمعات اعتراضی کارگران کولبر! یکباری چالش اصلی است!



تیررس نیرهای امنیتی قرار دارد. تهدید به مرگ و نقص عضو بدن برای کارگر کولبر لحظه ای است. از دست دادن مال و دار و ندار در محک ریسک برای امرار معاش است. با علم به این همه ناامنی در کارکولبری، اما مردم چند شهر برمیکشند، با خشم و عصبانیت بخبیان میایند و خواهان ادامه کارکولبری و باز شدن مرزها میشوند!

صفحه ۳

نسان نودینیان
"شغل" کولبری ناامن ترین کاراست. کارگر کولبر هر لحظه در

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

مراسم که از ساعت چهار بعد ازظهر شروع می شود قرار است گزارشی از سوانح محیط کار در کردستان و دنیا ارائه شود. لازم به ذکر است که در کنار حقوقهای پائین، تورم و بیکاری، کارگران ساختمانی اقلیم کردستان قربانیان هر روزه نا امنی محیط کارند.

صفحه ۸

اطلاعیه تشکل کارگران ساختمانی کردستان!
تشکل کارگران ساختمانی اقلیم کردستان طی اطلاعیه ای اعلام کرده که روز ۲۸ آپریل به مناسبت روز قربانیان محیط کار در پارک آزادی شهر سلیمانیه مراسمی برپا خواهند کرد. در این

قطعهنامه روز جهانی کارگر صفحه ۵
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ برابر با اول می ۲۰۱۶

خواستهای جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی
فریاد کل جامعه است صفحه ۶

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ چرا با سیستم فدرالیستی در ایران مخالفید؟ ...

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی ...

قابل تحمل است. امروز خواست برابری اقتصادی و گفتمان سوسیالیسم به یک امر مطرح در عرصه سیاست و افکار عمومی مردم جهان بدل شده است. حتی کاندیدهای انتخاباتی در کشورهای غربی با گفتمان و شعار سوسیالیسم خود را مطرح میکنند و با استقبال توده ای مواجه میشوند. رویگردانی توده مردم دنیا از سیستم و نظام حکومتی و احزاب سنتی حاکم حتی در کشورهای باصطلاح "مهددموکراسی" در غرب، آمار و ارقام تکانهنده ای که نشان میدهد فاصله فاحش بین ثروت نجومی سرمایه داران و فقر کارگران و توده نود و نه درصدی مردم در همه کشورها هر سال بیشتر و عمیق تر از سال گذشته میشود، الیگارش و فعال مایشائی و سلطه یک در صدهای مالتی میلیاردر و فساد که سرتاپای دولت و سیستم سرمایه داری در همه کشورها را فراگرفته است - و اسناد افشا شده پاناما تنها گوشه ای از این فساد گسترده و سوء استفاده های مالی و پولشویی و زیر پا گذاشتن قوانین مالیاتی که خودشان وضع کرده اند را برملا کرد - همه و همه نشاندهنده بن بست و گنبدگی نظام سرمایه داری عصر ما و ضرورت و مبرمیت سوسیالیسم است.

تبلور تباهی و درماندگی کاپیتالیسم در ایران حکومت جمهوری اسلامی است. پدر خوانده های مافیای اقتصادی که همچون سرطان در کل بدنه اقتصاد ایران ریشه دوانده است و آیت الله های میلیاردی و اعوان و انصارشان که در صدر لیست دزدی و فساد مقامات و دولتهای جهان قرار دارند، خود نماینده و تجسم توحش سرمایه در عصر حاضرند. امروز پرچم رهائی جامعه ایران از بردگی مزدی و از مذهب و قوانین و مناسبات قرون وسطائی که از این بردگی پاسداری میکند در دست طبقه کارگر است. روز کارگر برای مردم ایران نه تنها روز سوسیالیسم و روز بجالش کشیدن مافیای اقتصادی حاکم و نظام بردگی مزدی، بلکه روز سکولاریسم و مدنیت و مدرنیسم و انسانیت نیز هست.

روز جهانی کارگر روز همه مردمی است که در ایران و در سراسر جهان از سلطه سرمایه و تبعیض و نابرابری و تحجر و عقب ماندگی قومی - مذهبی که حاصل و مستلزم آنست به تنگ آمده اند و خواستار بر پائی جامعه ای انسانی و مرفه و آزاد و برابر هستند. فرارسیدن این روز را به همه کارگران در ایران و در جهان و به همه مردم آزاده دنیا تبریک میگویم!

۴ اردیبهشت ۹۵

هم همین مشکل را خواهد داشت. مسئله این نیست که اسم فدرال را قومی میگذارند یا اعلام میکنند ایالتی و استانی ... است. مشکل این است که در دوره ما این سیستم حکومتی بر اساس نیاز احزاب قومی و ملی و مذهبی برای کسب قدرت و امتیاز به صحنه آورده شده است.

در همان شمال سوریه اگر حزب اتحاد دمکراتیک نزدیک به پ.ک.ک حرف اول و آخر را نزنند و فدرالیسمشان بر مبنای نیازهای آنها تنظیم نشود نیروهای مخالف او اجازه فعالیت نخواهند داشت. در همین قدم اول هم نمایندگان اقوام و ملیتها و مذاهب طرح فدرالی را به تصویب رسانده اند. شهروند و انتخابات و حق رای و حقوق پایه ای مردم جایگاهی در این طرحشان نداشته است. نمونه کردستان عراق هم که یک نمانه شکست خورده است و فکر نکنم مورد مناقشه باشد.

اما با این حال آیا راه دیگری برای تقسیم قدرت وجود ندارد که مردم ناچار باشند به سیستم فدرالی تن بدهند. واضح است اگر کسی خواهان دخالت شهروندان در سیستم حکومتی و اداره کشور باشد راهش این است که مردم و نمایندگانشان در یک سیستم شورایی و با رای آزادانه شهروندان در هر استان و ایالت و کل کشور و حتی در هر شهر و محله و صنف هم نقش مستقیم در تصویب و اجرای قوانین داشته باشند.

آلترناتیو ما در مقابل همه طرحهای ارتجاعی و رو به عقب و مستبدانه و در مقابل طرحهای مختلف بر مبنای قومی و ملی و مذهبی این است که خود شهروندان مستقیماً و بلا واسطه در تعیین سیستم حکومتی و تصویب و اجرای قوانین نقش ایفا کنند. *

حاکمیت احزاب و نمایندگان اقوام و مذاهب معینی معنی میدهد نه چیز دیگر.

حتی در کشورهای مستقل شده شوروی سابق و یا در کشورهای وابسته به بلوک شرق قدیم مانند یوگسلاوی و یا چکسلواکی سابق ... میبینیم که باز هم کشورهای مستقل شده امروز بر مبنای همان فدرالهای قبلی از هم جدا شدند. برای تعیین مرزهای قومی و ملی در جایی مانند اوکراین و آذربایجان و ارمنستان هنوز مشکل حل نشده باقی مانده و جنگ و خونریزی و تفرقه و نفرت قومی ملی یاد زده میشود.

حال فرض کنیم در ایران فردا همین اتفاق بیفتد. فرض کنیم جامعه تحمیق شود و به طرح سازمانهای قومی و چپهای سنتی و افراد کوتاه بین رضایت دادند. آن هنگام آیا احزاب قومی و ملی کرد رضایت خواهند داد که کرمانشاه و ایلام و کنگاور و هرسین و ... تا نزدیک همدان یک فدرال جدا از فدرال سنج و پاوه و کامیاران و مریوان و ... باشد. آیا فدرالیست چپهای آذری و کرد رضایت میدهند که آذربایجان غربی شامل رضائیه و مهلباد و بوکان و سقز و ... یک فدرال باشند و مردم آذری و کرد در یک فدرال واحد زندگی کنند.

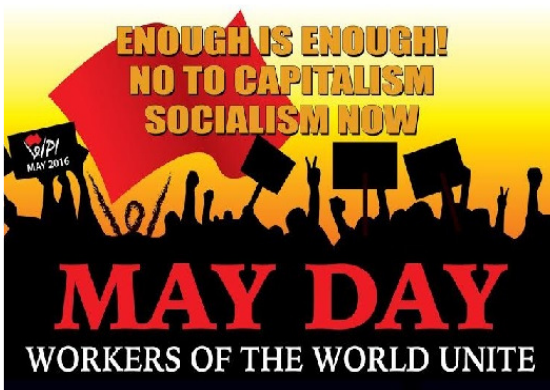
آیا در تهران بر سر اینکه اسم فدرال چی باشد و کدام قومیت و ملیت چه قدرت و نقشی داشته باشد به جان همدیگر نمی افتند؟ اینها سوالاتی واقعی است. شک نداشته باشید که اگر ایران را فدرالی کنند در شهرهایی مانند نقده و رضائیه و کرمانشاه و همدان و کنگاور و بیجار و قروه و ... همین فدرالیسم چپها برای کسب امتیاز قومی خود جوی خون روان میکنند. این در خوزستان و بلوچستان و آذربایجان و گیلک و ...

زندگی کرده اند. مشکل خود حکومتها و نقض حقوق کل شهروندان است. مشکل وجود احزاب و سیاستهای قومی و ملی و مذهبی آنها است. مثلاً حکومت اسلامی و عربی و یا انواع سیستمهایی که بر اساس ناسیون و مذهب بنا نهاده شده اند باعث و بانی تفرقه هستند. علت سرکوب و استبداد در ایران و کشورهای منطقه این نبوده است که یک دولت مرکزی وجود داشته است. علت این بوده است که بر اساس نیاز سودآوری سرمایه در این کشورها حکومتها از هر نوع دیکتاتور و مستبد بوده اند که جامعه را بر اساس ایدئولوژی خود شکل داده اند. سیستمهای حکومتی در این منطقه و از جمله ایران همیشه از سیاست ایجاد تفرقه و قوانین تبعیض آمیز پیروی کرده اند. نقض حقوق شهروندان در این کشورها به دلیل ماهیت حکومت و قوانین بوده است نه تمرکز و یا تقسیم قدرت.

برای اینکه مسئله روشنتر بشود فرض کنید فردا در ایران همانند عراق بر اساس مذهب و ملیت و قومیت جامعه به حکومتهای فدرال تقسیم بشود. میبینیم باز هم مشکل مردم برای زندگی و توسعه و پیشرفت همانند سابق و بسیار بدتر از سابق سر جای خودش خواهد بود. زیرا فدرال بودن معنایش فقط تقسیم قدرت در مناطق مختلف و امروز در میان اقوام و مذاهب مختلف است. آنچه که به اسم حقوق شهروندی میشناسیم و یا آنچه که سکولاریسم در مقابل حکومت مذهبی شناخته شده است و یا آزادی و رفاه شهروندان و ... هیچکدام با فدرالیسم پاسخ نمیگیرد. برعکس در عراق امروز و اخیراً در شمال سوریه میبینیم که فدرال بودن فقط معنی قبول

حزب کمونیست کارگری نماینده آزوها و خواستهای باایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و یگاری است که بازر سرمایه آنها را ازده است و اسیر یگاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از سادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به ن فرشی ناچار میکنند صدای جوانانی که در اوان زندگی از سادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!



زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱ به کارگران کولبر ...



تحمیل شده است. بستن محل ها و مراکز حمل و نقل بار توسط کاربدستان حکومت، سیاست و شگردی جهت تامین سود هرچه بیشتر در بده و بستانهای تجاری در مناطق مرزی و همچنین غارت زحمت و دسترنج شما کولبران است. اعتراضات و تجمعات برحق شما میتواند با طرح خواستههایتان به نتیجه برسد.

در تجمعات و اعتراضات عمومی خود به همراه خانواده هایتان اعلام کنید:

موقعیتی که ما کارگران بیکار در شهر و روستاهای مناطق مرزی با آن مواجه هستیم، بر اثر شرایطی است که بر ما کارگران بیکار حاکم شده است. شغل کولبری در مناطق مرزی تاکنون خطرات جانی و مالی فراوانی برای ما کارگران بوجود آورده است. مرگ بیش از صدها نفر در سال، آواره گی و محرومیت خانواده و فرزندان همکارانمان از تنها نان آور خانه و دهها معضل و مصیبت دیگر بر سرنوشت کار و زندگی ما کارگران کولبر در مناطق مرزی، هر روز و هر ساعت فاجعه ای را برای ما خلق کرده است. ما کارگران کولبر تا به امروز فریاد رسی نداشته ایم. باید به این وضعیت یکبار برای همیشه پایان داده شود.

اعلام کنید که:

۱ ما خواهان برسمیت شناختن

۱ ما خواهان برسمیت شناختن شغل کولبری بدون هیچ گونه کنترل و مزاحمتی هستیم
۲ امنیت شغلی ما کارگران کولبر باید تضمین شود.
۳ در صورت برسمین نشناختن شغل کولبری ما خواهان حقوق بیکاری هستیم
۴ تحت هیچ شرایطی نباید اموال ما کارگران کولبر ضبط و مصادره شود.

از صفحه ۱ تجمعات اعتراضی ...

اعتراض و اعتصابات مردم شهرهای سردشت، بانه، مریوان و سروآباد روزهای ۳۱ فروردین و یکم اردیبهشت قدرت اتحاد و نارضایتی مردم به بیکاری، ناعدالتی اجتماعی و فقر است! تظاهرات همزمان در چهار شهر بانه، سردشت، مریوان و سروآباد اعتراض و نارضایتی ده ها هزار کارگران و جوانان بیکار در حمایت مردم و خانواده هایشان، به جمهوری اسلامی و دولت یازدهم روحانی است.

منشأ اجتماعی این اعتراضات وضعیت نابسامان مالی و درآمدهای ناچیز مردم چند برابری زیر خط فقر، بیکاری و نداشتن تامین اجتماعی دارو و دکتر و رفاه و امنیت فردی است.

در شهرهای کردستان بیکاری چالش اصلی مردم و جامعه با دولت یازدهم است.

در سال ۱۳۹۰، استان کردستان یک میلیون و ۴۹۳ هزار و ۶۴۵ نفر جمعیت دارد که ۶۶ درصد شهری و ۳۴ درصد روستایی تشکیل می دهد. براساس این آمار جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر شاغل این استان ۴۲۰ هزار نفر بوده که ۲۷.۵ درصد آن در بخش کشاورزی، ۲۴ درصد در بخش صنعت ۴۰.۳ درصد در بخش خدمات و ۸.۲ درصد فعالیت نامشخص و اظهار نشده دارند.

بیکاری در استان کردستان همواره با آمارهای ضد و نقیضی از سوی نظام اسلامی مواجه شده است و هر بار آماری در این خصوص ارائه می شود. در سال ۹۳ شمار بیکاران در این استان را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده اند که

می شود با یک بررسی ساده نرخ بیکاری در کردستان را بالای ۴۰ درصد دانست. در ابتدای سال ۹۳ مرکز آمار ایران نرخ بیکاری را در کردستان ۱۶.۱ درصد اعلام کرد که براساس این نرخ، پس از لرستان در جایگاه دوم کشور از نظر بیکاری قرار گرفته است. در ابتدای سال ۹۴ استاندار کردستان آخرین نرخ بیکاری در این استان را حدود ۲۸ درصد اعلام کرد.

با توجه به آمارهای اعلام شده، می توان دریافت یک روند صعودی بر آمار بیکاری در کردستان حاکم است، بطوریکه با گذشت زمان هیچ اقدامی در مهار کردن آن انجام نشده و روزبه روز قتل بیکاری در این استان محکمتر می شود.

در این میان سهم فارغ التحصیلان دانشگاه استان بیشتر نمود پیدا می کند و می توان درصد قابل توجهی از بیکاری را به آنان اختصاص داد.

در حال حاضر بیش از ۷۳ هزار دانشجو در دانشگاه های مختلف سطح استان کردستان مشغول به تحصیل هستند که به دلیل عدم برنامه ریزی مناسب شانس دستیابی به فرصت های شغلی برای فارغ التحصیل ها بسیار پایین است.

چالش مهم دولت یازدهم بیکاری است. در شهرهای کردستان در دوره شروع بکار دولت روحانی تا کنون آمار بیکاری همچنان روند صعودی به خود گرفته است بطوریکه از رقم ۱۶ درصد در سال ۹۳ به ۲۸ درصد در سال ۹۴ رسیده است.

جمعبندی: در شهرهای

کردستان ایران بیکاری بویژه بیکاری جوانان و عدم فرصت های شغلی مناسب، روی آوری به شغل کولبری بیشتر شده. و در نتیجه هزاران نفر از کارگران و جوانان بیکار برای تامین معاش در مرزها بکار کولبری مشغولند!

جمهوری اسلامی بجای ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان تحصیلکرده، و تامین بیمه بیکاری برای هزاران نفر از کارگران و بهبود زندگی آنها در اقدامی بیشرمانه مرزها را مینندد!

تظاهرات و اعتصاب مردم شهرهای بانه، سردشت، مریوان و سروآباد علیه بستن مرزها و اقدامات امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی، باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد. باید به ابعاد گسترده تر اعتراضات افزود.

دو عرصه مهم در ادامه اعتصاب و اعتراض علیه جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان؛ یکم؛ تلاش برای تشکیل تشکل کارگران کولبر، قانونی کردن شغل کولبری و با پوشش تامین اجتماعی.

دوم؛ بسط و گسترش اعتراضات جوانان بیکار و تحصیلکرده تا سطح تشکل جوانان بیکار. و خواست بیمه بیکاری.

مادام مردم شهرهای کردستان دارای توان و قدرت به اعتصاب کشیدن و تظاهرات هزاران نفری را دارا هستند، کارگران کولبر و جوانان بیکار میتوانند بر بستر شرایط نارضایتی کنونی برای ایجاد تشکل کارگران کولبر و بیمه بیکاری و تامین بیمه های اجتماعی وارد میدان شوند.

۶ اردیبهشت ۱۳۹۵
۲۵ آپریل ۲۰۱۶

اول مه روز اعتراض به فلاکت و زندگی زیر خط فقر، روز اعتراض به سرکوب و خفقان و بی حقوقی و تبعیض، و روز دفاع از آزادی و برابری و رفاه برای تک تک مردم است.

اول مه امسال را به روز طنین افکندن خواست نان و آزادی و زندگی انسانی تبدیل کنیم.

اول مه امسال باید روز گشودن افق آینده ای شاد و مرفه و آزاد باشد. روز گشودن افق انقلاب کارگری علیه نظم ضد انسانی.

زنده باد اول مه

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان نسان نودینان، نسرین رمضانعلی



کارگران و مردم سنندج به استقبال اول مه روز جهانی کارگر رفتند.

بنا به خبری از شهر سنندج، روز جمعه سوم اردیبهشت تعدادی از کارگران و مردم شهر سنندج در مراسمی با شکوه به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر رفتند. این مراسم که در اطراف شهر سنندج برگزار شد از ساعت ۱ تا ۵ بعدازظهر ادامه داشت و تعدادی از حاضرین در مورد اول مه و اهمیت این روز سخنرانی کردند و چند بیانیه و قطعنامه نیز قرائت گردید.

بخشی از بیانیه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران شهر سنندج

جهت دفاع از خواسته های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی ما می خواهیم به خواسته های صدای کارگران و معلمان رسیدگی شود و اتهام اقدام علیه امنیت ملی لغو شود مسئول سلامتی جعفر عظیم زاده و تمامی زندانیان قابل پیگیری است ما می خواهیم یک روز گرسنگی بکشند بدون تردید آزادی جعفر عظیم زاده و تمامی کارگران در بند، یکی از بندهای قطعنامه روز جهانی کارگر امسال خواهد بود. اعضای اتحادیه آزاد کارگران شهرستان سنندج

بیانیه زندانیان سیاسی زندان مهاباد به مناسبت روز جهانی کارگر

اول ماه می، نماد اتحاد کارگران و ستم دیدگان جهان علیه استبداد و نابرابری ۲۲ تن از زندانیان سیاسی زندان مهاباد با صدور بیانیه ای روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و این روز را نماد "اتحاد کارگران و ستم دیدگان جهان علیه استبداد و نابرابری" اعلام کردند.

به گزارش کمپین دفاع از

احضار فعالین کارگری در آستانه روز جهانی کارگر در سنندج

نیروهای وابسته به اطلاعات نیروی انتظامی در سنندج، در آستانه برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) با احضار تعدادی از فعالین کارگری فشار بر آنان را افزایش داده اند. به گزارش کمیته هماهنگی، روز چهارشنبه مورخ اول اردیبهشت ماه تعدادی از فعالین کارگری از جمله "خالد حسینی"، "غالب حسینی" و "مجید حمیدی" به اطلاعات نیروی انتظامی احضار شدند، طی این احضار از نامبردگان خواسته شده که در مراسمهای روز جهانی کارگر شرکت نکنند.

بیانیه کارگران اخراجی شرکت ریسندگی پوی سنندج در دفاع از خواسته های جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی

کارگران و انسانهای شریف: جای هیچ انسان آزادیخواهی زندان نیست ما کارگران اخراجی ریسندگی پوی سنندج در آستانه روز جهانی کارگر از خواسته های برحق آقایان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی که هیچ جرمی جز دفاع از سطح معیشت و زندگی کارگران و معلمین ندارند حمایت کرده و از تصمیم مشترک آنان در اعتراض به امنیتی کردن فعالیت های صنفی، جانبداری میکنیم. از طرفی بسیار متأسفیم که عمل برخی دوستان به ظاهر طرفدار کارگر که در این شرایط با موضعگیری علیه این اتحاد، نه تنها به همبستگی و اتحاد صفوف کارگرو معلم کمک نکرده اند بلکه آب به آسیاب سرمایه داران میریزند.

با کدام وجدان بیدار میتوان تصور کرد که انسانی با ۶ سال زندان و حبس و تحمل اعتصاب غذای نامحدودی که به جان خریده میخورد خود را بزرگ کند؟ این دوکارگر و معلم وسایر کارگران و فعالان کارگری دیگر تشکلهای همه چهره های شناخته شده هستند و نیازی به بزرگ نمایی ندارند.

ما کارگران پشتیبانی خود را از خواسته های آقایان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام میداریم و خواستار آزادی این دو وسایر کارگران

و معلمین دربند هستیم.

جمعی از کارگران اخراجی پوی سنندج هفتم اردیبهشت ۹۵

پیام کارگران فولاد زاگرس به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

ما کارگران اخراجی فولادزاگرس در روز جهانی کارگر باردیگر اجتماع خود را به حاکمان و سرمایه داران اعلام می نمایم و خواهان ایجاد اشتغال، افزایش دستمزد عادلانه، آزادی تمامی فعالین کارگری دربند، ایجاد تشکل کارگری، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا می باشیم و اعتراض خود را به گوش جهانیان می رسانیم ۱۷ اردیبهشت ۹۵

افسانه بازیدی

برای سومین بار دستگیر شد!

بار دیگر افسانه بازیدی، فعال دانشجویی توسط مأموران اداره اطلاعات شهرستان بوکان در استان آذربایجان غربی بازداشت گردید.

مراسم تجلیل از فعال فرهنگی

مراسم تجلیل از فعال فرهنگی و شاعر سنندجی، "توفیق ابراهیمی" (سوا توفیق) در منزل ایشان با حضور نویسندگان و هنرمندان برگزار گردید. حضور وی در دهه های شصت طی انجمن ها و شب شعرهای کردستان بسیار تاثیرگذار بود و به سرودن اشعار کوتاه شهرت داشت. ایسنا درباره مراسم تجلیل از سوا توفیق گزارش داد: اشعارش در مجلات ادبی همچون سرو، آوین و... به چاپ رسیده و بیشتر اشعار وی از زبان دیگر شعرا در محافل ادبی و اجتماعی قرائت می شد. تخلص شعری این چهره سرشناس ادبی کردستان، سوا توفیق است.

هزاران لیتر گازوئیل به رودخانه سیروان نشت کرد

نفوذ نفتگاز (گازوئیل) تأسیسات کارگاهی در شهرستان سروآباد، رودخانه سیروان را با عواقب خطرناک زیست محیطی مواجه کرده است. دوم اردیبهشت ماه سطح رودخانه سیروان پوشیده از لکه های نفتی ناشی از نشت هزاران لیتر گازوئیل از کارگاه روستای روار بود. این کارگاه جوار رودخانه، به

دلیل جمع شدن آب مخزن سد داریان به زیر آب رفت و مواد نفتی انبار شده به سیروان سرازیر گردید. تاکنون هیچ یک از نهادهای حکومتی منجمله محیط زیست شهرستان سروآباد به این حادثه و پاکسازی آن واکنشی نشان نداده است.

آتش زدن قفس های شکار از جانب شکارچیان دوریسان پاوه

۵ تن از شکارچیان روستای دوریسان پاوه، اقدام به شکستن سلاح های خود و آتش زدن قفس ها و رهاسازی پرندگان نمودند.

حکم شش سال زندان برای علی حسین پناهی

روز چهارشنبه یکم اردیبهشت، دادگاه تجدید نظر حکم شش سال و یک روز زندان "علی حسین پناهی" معلم اهل دهگلان را تأیید کرده است.

مواد مخدر، سال گذشته ۳۰۰۳ نفر تلفات داشت

سوء مصرف مواد مخدر طی سال گذشته، روزانه بیش از ۸ نفر را به کام مرگ فرستاده است. سال گذشته بنابه آمارهای رسمی، مواد مخدر جان سه هزار و سه شهروند در ایران را گرفته که تعداد ۳۲۷ نفر زن بوده اند. گزارش سازمان پزشکی قانونی اضافه می کند: از کل تلفات اعتیاد سال ۹۴، یک هزار و ۷۲۸ نفر به دلیل مسمومیت حاد، ۸۵۴ نفر به دلیل عوارض مصرف طولانی مدت و ۴۲۱ نفر به دنبال مصرف روانگردان ها جان خود را از دست داده اند. استان تهران با ۷۲۹ نفر و استان بوشهر با ۱۶ نفر به ترتیب بیشترین و کمترین کشته شدگان سوء مصرف مواد مخدر را داشته اند.

بیانیه کانون صنفی فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری

فشرده ای از بیانیه کانون صنفی فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری در حمایت از بیانیه های محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده. اینک در آستانه روز ملی معلم و تقارن آن با اول ماه مه، روز جهانی کارگر، محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران و اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران و جعفر

قطعه‌نامه روز جهانی کارگر

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ برابر با اول می ۲۰۱۶



ما کارگران و همه انسانهای تحت ستم در ایران و سراسر جهان امسال درحالی‌به استقبال اول ماه مه می‌رویم که نظام سرمایه‌داری در همه ابعاد، دچار بحران‌های غیرقابل حلی شده است و تمام تلاشش را به کار می‌برد تا بار بحران‌های بوجود آورده را با بیکار سازیهای گسترده، تغییر در قوانین کار و به طور کلی باز پس‌گیری دستاوردهای طبقه کارگر و به راه انداختن جنگ‌ها بر دوش ما بیاندازد و خود را از این محصنه‌های پنهانی بخشد. اما طبقه کارگر و بشریت متضرر از این وضعیت نیز ساکت ننشسته و با تمام قوا از آمریکا و یونان گرفته تا فرانسه و ایران و... در مقابل این تهاجم ایستاده است.

خصیصه نظام سرمایه‌داری و تقابلش با طبقه کارگر در هر نقطه از جهان، کسب سود هر چه بیشتر در ازای تحمیل فقر و گرسنگی بر طبقه کارگر است، اما میزان شدت آن بسته به نوع نظام‌های حاکم بر جوامع مختلف متفاوت است. ایران

یکی از مناطقی است که طبقه کارگرش به شیوه ویژه‌ای تحت فشارهای سنگین سرکوب، محروم از هر گونه حق اعتراض، داشتن تشکل و به تبع آن برخورداری از همان درجه از امکانات معیشتی است که هم طبقه‌های پیشرو در مناطق دیگر جهان از آن برخوردارند.

سالهاست که در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در ایران مبارزه کارگران و همه مزدبگیران برای عقب‌راندن سرمایه‌داری از سیاست تحمیل ریاضت اقتصادی و یورش به زندگیشان تحت عناوین بحران اقتصادی و غیره با قدرت در جریان است، امروز ما کارگران ایران مجدداً و اکیداً اعلام می‌نمائیم که هیچ توجیهی برای پوشاندن و تبریته ناتوانی نظام سرمایه‌داری در تأمین یک زندگی مرفه برای خود را نپذیرفته و به هیچ وجه تحقق خواست یک زندگی انسانی را به رفع نیازمندیهای اقتصاد سرمایه‌داران گره نخواهیم زد.

از این رو ما کارگران، معلمان،

پرستاران، مستمری‌بگیران و کل بیکاران با خواست افزایش فوری دستمزد، ایجاد کار و یا پرداخت بیمه‌بیکاری و همچنین ممنوعیت تشکیل پرونده‌های قضائی با اتهامات امنیتی علیه معترضان به شرایط موجود، روز جهانی کارگر را گرمی می‌داریم و خواسته‌های فوری خود را به ترتیب زیر اعلام داشته و برای تحققشان پیگیرانه مبارزه می‌کنیم:

۱- ممنوعیت تشکیل پرونده‌های قضائی با اتهاماتی از قبیل "اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و اخلاف در نظم عمومی" علیه کارگران، معلمان و همه فعالین اجتماعی، لغو مجازات اعدام و قصاص و لغو کلیه احکام صادره، آزادی بی‌قید شرط کلیه فعالان کارگری و معلمان در بند همراه با تمامی فعالان سیاسی و اجتماعی.

۲- حق ایجاد تشکلهای مستقل و آزادی عضویت در آنها. آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات برای

عموم مردم ایران. ۳- افزایش فوری حداقل دستمزد، بالاتر از خط فقر اعلام شده (۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) و پرداخت بیمه بیکاری به همان میزان برای کلیه بیکاران و هر انسان آماده به کار اعم از زن و مرد. کارگران، معلمان و پرستاران حق دارند در ازای کارشان از یک زندگی مرفه و مطابق با استانداردهای مدرن برخوردار باشند.

۴- ممنوعیت به تعویق انداختن حقوق و دستمزدها. حقوق‌های معوقه که به یک رویه عادی در بنگاه‌های اقتصادی تبدیل شده معیشت کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش به تباهی کشانده است. سرمایه‌داران و حامیان آنان با عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران سودهای افسانه‌ای به جیب می‌زنند. تعویق در پرداخت حقوق باید به عنوان یک جرم تلقی شده و کارفرمایان خاطی مجازات و ملزم به جبران خسارات گردند.

۵- تأمین امنیت شغلی و توقف اخراج سازبها، بر چیده شدن قراردادهای اسارت بار موقت و سفید امضا، حذف شرکت‌های تأمین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاه‌های کوچک تا کارگران مناطق آزاد تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی.

۶- ممنوعیت کار کودکان و فراهم نمودن امکانات زندگی و تحصیل رایگان و برابر برای کلیه کودکان فارغ از جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته همراه با ایجاد فضائی کاملاً علمی و شاد و دادن یک وعده غذای گرم و با کیفیت.

۷- سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بیمه‌ای که متولی امر ارائه خدمات بهداشتی و بازنشتگی هستند، در سال‌های اخیر مورد چپاول و غارت عده‌ای از دولتمردان قرار گرفته و در نتیجه هر روز در ارائه خدمات به کارگران و زحمتکشان که صاحبان اصلی آن هستند، ناتوان تر شده‌اند. این سازمان و کلیه صندوق‌های بیمه باید در اختیار نمایندگان منتخب کارگران قرار گیرند و دولتمردان حق هیچ گونه دخالتی در آن نداشته باشند.

۸- لغو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی.

۹- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی مساوی با شهروندان ایرانی برای مهاجران گریخته از فقر و نا امنی به خصوص مهاجرین افغانستانی و منع هر گونه اعمال تبعیض‌آمیز علیه آنان

۱۰- روز جهانی کارگر، روز رزم مشترک کارگران و ستم‌دیدگان در سراسر جهان است. این روز باید تعطیل رسمی اعلام شود و هر گونه تظاهرات کارگری و اعتراض عمومی برای احقاق حقوق خود در این روز بدون هیچ مانعی برگزار شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه

کانون مدافعان حقوق کارگر

بر گرفته از سایت اتحاد



حق ایجاد تشکلهای مستقل و آزادی عضویت در آنها. آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات برای عموم مردم ایران.

افزایش فوری حداقل دستمزد، بالاتر از خط فقر اعلام شده (۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) و پرداخت بیمه بیکاری به همان میزان برای کلیه بیکاران و هر انسان آماده به کار اعم از زن و مرد. کارگران، معلمان و پرستاران حق دارند در ازای کارشان از یک زندگی مرفه و مطابق با استانداردهای مدرن برخوردار باشند.

خواستهای جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی فریاد کل جامعه است



ناهید خداجو

روز بیست و یکم فروردین ماه بیانیه‌ای از جانب دو تن از رهبران کارگری و معلمان، آقایان جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران و اسماعیل عبدی رئیس کانون صنفی معلمان ایران در اعتراض به روند بازداشت و حبس از طریق پرونده سازی و امنیتی کردن فعالیت های صنفی کارگران و معلمینی که علیه فقر و فلاکت، نا امنی شغلی، بیحقوقی و بیعدالتی دست به مقاومت و اعتراض میزنند، بیانیه مشترکی صادر شده که از روز ۱۰ اردیبهشت در آستانه روز جهانی کارگروه دفاع از انسانیت و اعلام همبستگی با کارگران جهان و در اعتراض به امنیتی کردن هر نوع فعالیتی که جهت احقاق حقوق و معیشت کارگران و معلمان به شرایط موجود میشود اعتصاب غذای نا محدودی را اعلام کرده اند.

سالهای سال است که کارگران و معلمان برای زندگی و معیشتشان با حاکمان و حامیان سرمایه دست به گریبانند. روزی نیست که این عزیزان به دلیل فلاکتی که از جانب سرمایه بر ما تحمیل شده و عرصه را بر میلیونها خانواده کارگری و معلمان تنگ کرده برای دفاع از زندگی و احقاق حق و حقوقشان

ساکت باشند و همواره شاهد و ناظر دهها اعتصاب و تجمع و اعتراض نباشیم
ابعاد اخراج سازیهها به قدری وسیع شده که بیکاری را روتین و نرم جامعه کرده اند

ادامه چنین وضعیتی برای هیچ انسان شریف و فهیمی که زندگی مرفه و آزاد را حق طبیعی خود میدانند ممکن نیست
کارگری که تا ۱۲ ساعت یا بیشتر در روز کار میکند و معلمی که برای تامین زندگی مجبور به روی آوردن به مشاغل دوم و سوم میشود، طبیعی است خاموش نیماند.
اعتراض به چنین وضعیت فلاکتبار دور از شان و کرامت انسانی، در حقیقت اقدام برای تامین زندگی و آسایش و امنیت اکثریت جامعه در ابعاد ملی است، و نه اقدام علیه امنیت ملی.

کارگران جهان در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر که هر ساله مراسمی را به طور معمول با خواست های مطالباتی خود برگزار میکنند اما در ایران کارگران و زحمتکشان و رهبران کارگری باید با اتهام واهی به خطر انداختن امنیت ملی به زندان محکوم شوند و هر گونه اقدامی از فرار تجمع، اعتصاب و جمع آوری امضا بر علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر را تحت نام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" احضار، دستگیر و سپس به زندانهای طویل المدت محکوم میشوند. کم نیستند افرادی که طی ۳۷ سال گذشته با چنین اتهامات واهی بهترین سالهای زندگی اش را در چارچوب تنگ زندان که از

ابتدایی ترین امکانات زندگی انسانی محرومند گذرانده اند. و در این راه زنده یادانی چون شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده را از دست داده ایم.

اکنون عزیزانی همچون بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، رسول بدائی، هاشمی باغانی، بهشتی، محمود صالحی، علی نجاتی، و اخیرا جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و دهها و صدها نفر دیگر از فعالین کارگران و معلمان در اسارت به سر میبرند.

عزیزان ما را تحت عنوان به خطر انداختن امنیت ملی کشور دستگیر و زندان میکنند بدون اینکه توضیح دهند منظور از امنیت ملی چیست.

این دنیای وارونه را چگونه باید تفسیر کرد؟ امنیت ملی امنیت حاکمان و سرمایه دارهاست. امنیت آقا زاده هاست امنیت آنهاست که زندگی را به کام انسان و انسانیت تلخ کرده اند امنیت آنهاست که زندانها را پیا پی کرده اند و به قصد خاموش کردن آنهاست که در مقابل تعرض به زندگی شان مقاومت کرده و معترضند.

امنیت میلیونها انسان در جامعه و یک زندگی بی دغدغه برای همه مفهوم واقعی امنیت ملی است. اما امنیت سرمایه و حامیانش به صورت آرا و تفکر حاکم قانون شد و از این طریق امنیت اکثریت جامعه به خطر افتاد. این دنیای وارونه را نمیشود تحمل کرد

اینست که طبق آمارهای اعلام شده طی سال گذشته حدود ۲۰۰۰ تجمع اعتراضی در همین فضای

سرکوب شکل گرفته است. ابعاد مقاومت و اعتراض بیسابقه است.

در شرایطی زندگی میکنیم که حداقل دستمزد امسال ۸۱۲ هزار تومان برآیند تعیین شد بدون آنکه خودمان کوچکترین نقشی در تعیین آن داشته باشیم

حاکمان یک لحظه فکر کرده اند که چگونه با چنین دستمزد حقیرانه ایی میتوان حتی کرایه منزل مسکونی که خانواده ۴ نفره را در خود جای دهد تامین کرد؟

جدا از سایر نیازهای زندگی از جمله هزینه تحصیل فرزندان، خورد و خوراک پوشاک و امکانات دیگری که هر انسان برای زنده ماندنش به آن نیاز دارد چه کسانی باید پاسخ دهند؟

مگر میشود اکثریت قریب به اتفاق انسانها از صبح تا شب کار کنند اما برای ابتدایی ترین امکانات زندگی اشان در مانده و مایوس باشند چنین اوضاعی را در جامعه قانون کرده اند و معترضین به این قانون را بدون هیچ توضیحی محکوم میکنند

به واقع ادامه چنین زندگی برده و ارانه ایی برای هیچ انسانی ممکن نیست چنین فجایع ایی برای ما کارگران و زحمتکشان هیچ وقت تحمل نشد دقیقا به همین دلیل است



که معترضیم و تلاش میکنیم تا بتوانیم تشکلات مستقلمان را ایجاد کنیم و از طریق آن زندگی همیشه تضعیف شده امان را بهبود بخشیم
اعتراضات به شرایط موجود از حق طبیعی خود میدانیم

خواسته های آقایان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی جدای از خواسته های میلیونها انسانی نیست که سرمایه داری معیشت و زندگی شان را به شدت به مخاطره انداخته است.

اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" حربه ای برای ساکت و خاموش کردن جنبش اعتراضی جامعه به ادامه این وضعیت غیر قابل تحمل است.

من به نوبه ی خود با توجه به نگرانی بیش از حد نسبت به سلامتی و زندگی این عزیزان در بند با اعلام اعتصابشان که جسم و روحشان را به خطر میاندازد از تمام خواسته هایشان به ویژه از برداشتن اتهامات جعلی و ساختگی امنیتی از پرونده های کل کارگران و معلمان طی ۳۷ سال گذشته و برای همیشه حمایت میکنم و خواهان رسیدگی هر چه زودتر به خواسته ها و مطالبات این عزیزان هستم

دوم اردیبهشت ۹۵



نکاتی پیرامون انتشار مباحث کنگره یک کومه له

عبدل گلپریان



سازمان انقلابی و چپ در آن دوره بود و این پتانسیل را داشت و این نیاز را داشت که به یک تئوری انقلابی و یک برنامه عمل چپ و انقلابی متکی شود و امید را در دل مردم زنده کند و به قطبی در مقابل ناسیونالیسم کرد و حزب عقب مانده آن یعنی حزب دمکرات تبدیل شود.

کسانی که امروز با "افتخار" از انتشار مباحث کنگره اول کومه له دفاع میکنند، همان خط و همان گرایشی را نمایندگی میکنند که در همان ایام نیز نگرش پوپولیستی و عقب مانده در جامعه کردستان را نمایندگی میکردند. این گرایش امروز نیز و با سپری شدن بیش از سه دهه و نیم همچنان و با همان درک و نگرش به اوضاع نگاه میکنند.

اگر کومه له بعد از این کنگره تکانی بخود داد و وارد عرصه مبارزه اجتماعی و شهری مردم شد، ناشی از یک انقلاب عظیم اجتماعی در ایران، وجود زمینه های مادی و عینی اجتماعی چپ در جامعه کردستان و تشخیص این اوضاع توسط تنی چند از فعالین کومه له بود که در ادامه روند مبارزه کومه له را به سازمانی محبوب و توده ای تبدیل کرد. آنان قادر شدند شرایط و اوضاع حساس انقلابی و رادیکال چپ جامعه را دریافته و بر بستر اوضاع انقلابی و هدایت مبارزات توده ای به رهبران و شخصیت های خوشنامی تبدیل شوند. تداوم روند اوضاع انقلابی سبب شد که شیوه عمل های کمونیستی در دستور کار آنها و کومه له قرار بگیرد. بر همین اساس و در تداوم روند مبارزه و گسترش نیروی اجتماعی و توده ای در کردستان، کومه له توانست به گرایش و خط پیشرو مارکسیسم انقلابی نزدیک و جذب شود. تمامی این دستاوردهای نظری را باید بر بستر اوضاع و شرایط انقلابی که کومه له را متولد کرد توضیح داد نه بر مبنای مباحث این نشست و مشغله های شرکت کنندگان در آن، که هیچگونه ربطی به جامعه،

شخصی گرفته میشوند در حالی که در جرگه مبارزه علنی و واقعی، همین شخصیتها در هدایت مبارزات مردم رهبرانی واقع بین، کاردان و لایق بودند.

ابراهیم علیزاده در نقد انتشار این مباحث بدست از شخصیت های محبوب و توده ای مردم کردستان که در این کنگره حضور داشتند دفاع کرده است اما تنها این دفاعیات کافی نیست و هنوز لب مطلب را ادا نمیکند. شروع اعتراضات توده ای در شهرهای کردستان در مقطع انقلاب دوره ای بود که کومه له هنوز علنی نشده بود و بخشی از اعضای آن سرگرم مباحثی بودند که اخیرا منتشر شده است. بین روند انقلاب، حضور گرایش چپ جامعه در مقطع اعتراضات و تظاهرات مردم با مشغله های بخشی از اعضای شرکت کننده در کنگره یک کومه له تفاوت های اساسی وجود دارد که این تفاوتها را بعدها در کنگره دوم کومه له و متعاقب آن پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران میتوان دید.

فعالین چپ و کمونیست در کردستان و مردم آزادیخواه و برابری طلب که بعدها همراه با کومه له کردستان را به سنگر ادامه انقلاب تبدیل کرده بودند، نه از سر مشغله ها و مباحث مطرح شده در این نشست بلکه از سر دخالت توده ای و اجتماعی کومه له بعد از قیام و نقش برجسته و انقلابی کسانی مانند صدیق کمانگر و فواد مصطفی سلطانی و... بود که بدور کومه له جمع شدند. انقلاب ۵۷ و تحولات سیاسی بعد از آن سرعت و در ابعاد اجتماعی تئوری های عقب مانده نیمه فئودال نیمه مستعمره و بورژوازی ملی و مترقی در درون کومه له را با قاطعیت کنار زد. در حالیکه قیام ۵۷ و ادامه انقلاب تئوری های عقب مانده را در عمل نقد میکرد و ماهیت ارتجاعی کل بورژوازی و حکومت اسلامی را به همگان نشان میداد، مارکسیسم انقلابی با استدلال های نظری محکم و منسجم راه را بر گرایش انقلابی و کمونیستی درون کومه له هموار ساخت و این گرایش توانست نقش تعیین کننده ای در ادامه حیات کومه له ایفا کند. کومه له یک

بعد از گذشت بیش از سه دهه و نیم اسنادی منتشر شده اند که نشست اول کنگره یک کومه له نام گرفته است. این اسناد با امضا و توسط ساعد وطن دوست یکی از شرکت کنندگان در این کنگره و ملکه مصطفی سلطانی منتشر شده است. انتشار صورت جلسات دستنویس این نشست عموما به انتقاد از خود و انتقاد از غایبین در این نشست اختصاص دارد. آنچه که در این جلسات ۲۷ روزه مورد اشاره قرار گرفته است عبارتند از نقد و بررسی خصوصیات افراد، انفعال آنها، کورتهای شخصی و مسایلی از این قبیل. تا جاییکه حتی دو تن از شرکت کنندگان در نقد خود از توله به خودکشی صحبت میکنند. اسناد منتشر شده متعلق به مقطعی از نشستهای مخفی شرکت کنندگان در آن است که هنوز در حال و هوای قبل از قیام ۵۷ به انتقاد و انتقاد از خود مائوئیستی پرداخته اند. انتشار مباحث و موضوعات مورد بحث در این کنگره که هیچ ضرورتی در دوره حاضر نداشت، بهیچوجه گرایش چپ و رادیکال درون این سازمان را که در مبارزات توده ای مردم دخیل بود نمایندگی نمیکند. کومه له به اعتبار انقلاب ۵۷، دخالت در حرکت رادیکال و انقلابی مردم در کردستان و ایفای نقش برخی از رهبران این جریان قابل توضیح و ارزیابی است. قبل از این نشست و حداقل سه چهار سال قبل از قیام ۵۷، محافل و جمعهای وسیعی در شهرهای کردستان درگیر نوعی فعالیت مخفی بودند که بافت شخصیتها و گرایشات آنان عموما چپ به روایت آندوره بود. این بافت اجتماعی اغلب در میان طیف روشنفکر، معلم، کارمند و بعضا کارگران بودند. به جرئت میتوان گفت که مشغله های این محافل که بعد از قیام بهمین و علنی شدن کومه له به این جریان پیوستند، برماتب سیاسی تر، اجتماعی تر و چپ تر از مباحث این صورت جلسات بودند. در این اسناد شخصیتهایی که بعدها و در دوران یک جنبش انقلابی و اجتماعی خوشنام و محبوب مردم شدند در یک جمع محفل گونه به باد تندترین انتقادهای مائوئیستی و

یکی دو صفحه از این به اصطلاح اسناد را نگاه کند بخوبی به گرایش عقب مانده درون کومه له که همچنان با اسامی مختلف جست و خیز میکنند پی خواهد برد. انتشار مباحث این کنگره عملا به معنی تخریب و کوبیدن رهبران سرشناس و محبوب مردم کردستان است و نشر این مباحث ربطی به مبارزات انقلابی، اجتماعی و توده ای مردم کردستان ندارد. خصلت نمای مبارزه و حضور اجتماعی نسل جدید را در اعتراضات اجتماعی، تشکلهای رادیکال و چپ کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی میتوان دید و توضیح داد. این گواه این حقیقت است که با انتشار مباحث این کنگره نمیشود و نمیتوان گرایش عقب مانده آندوره را زنده کرد و به آن پر و بال داد.

انقلاب ۵۷ و وجود گرایش اجتماعی چپ در جامعه کردستان و در درون کومه له و روی آوری کومه له به مارکسیسم انقلابی بود که کومه له را متوجه این حقیقت ساخت که باید بر بستر تلاطم حرکت انقلابی و اجتماعی، به استقبال تحولات زیر رو کننده سیاسی رفت. بدون این اتفاق تاریخی و بدون داشتن شم تشخیص این اوضاع چه بسا تداوم نشستهای این جمع با همان سبک مخفی و محفلی به مرحله ای منتهی میشد که تعدادی از شرکت کنندگان که با یاس و نا امیدی از پایان دادن به حیات خود از آن اسم برده اند میرسیدند.

۱۸ اردیبهشت ۹۵
۲۰ آوریل ۲۰۱۶

انقلاب و مبارزه و مقاومت توده ای مردم نداشت. در کنگره ای که مشتاقان انتشار اسناد آن اینگونه دچار ذوق زدگی شده و تصویری مخرب و تحقیر کننده از شخصیتهایی چون فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر و دیگران را دم دست گذاشته اند، از این غافلند که اعضا و کادراهی که جان باختند و آنانی هم که هنوز در قید حیات هستند، کومه له را نه به روایت مباحث کنگره یک بلکه بروایت رهبری جنبش چپ و توده ای سالهای ۵۸ به بعد میشناسند. کومه له به اعتبار گرایش مارکسیسم انقلابی از سوی بخشی از رهبری و همچنین بدنه کادری کومه له نمایندگی شد که در ادامه ایستادگی و مقاومت مردم و برای رهبری مبارزات توده ای در کردستان نقش برجسته ای ایفا کرد.

این گرایش عقب مانده همیشه بدنبال گرایش رادیکال در کومه له بزور کشیده میشد تا اینکه در مقطع جنگ خلیج که ناسیونالیسم کرد را در کردستان عراق بقدرت رسانید جرات کرد در مقابل گرایش رادیکال و کمونیستی در کومه له قد علم کند. فیلش یاد هندوستان کرد و با هر آنچه که بویی از چپ و کمونیسم در حزب کمونیست ایران میداد به تخاصم پرداخت. تلاش زیادی کردند که حزب کمونیست ایران را منحل کنند اما نتوانستند و با مصادره نام کومه له گام در مسیر قومی گری که سنت گرایش نیمه فئودال و نیمه مستعمره همان ایام بود را مجددا برگیرند و امروز در حسرت آندوره اسناد نشست آنرا با "افتخار" منتشر میکنند.

اگر کسی حوصله کند و فقط

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

اول مه روز اعتراض به فلاکت و نابرابری، روز اعتراض به سرکوب و خفقان و بی حقوقی و تبعیض، و روز دفاع از آزادی و برابری و رفاه برای تک مردم است. در اول مه کار را تعطیل کنیم. تجمعات بزرگ و کوچک خود را در سراسر کشور برپا داریم. جشن بگیریم و سخنرانی کنیم. قطعنامه هایمان را اعلام کنیم. خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر شویم و به دستگیری ها و اعدامها و تبعیضات شدید اعتراض کنیم.

زنده باد سوسیالیسم

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

جنگ در دوز خورماتو شعله ور می شود!

بر اساس اخبار منتشر شده از نیمه شب ۲۳ آپریل در شهر دوز خورماتو جنگی شدید میان فدائیان گروه شیعه به اسم حشد شعبی و نیروهای اقلیم کردستان و مردم مسلح شهر دوز از سر گرفته شده که تا روز ۲۵ آپریل ادامه داشته است. گزارشها حاکیست که دهها نفر از طرفین کشته و زخمی شده اند و نیروهای حشد شعبی بسیاری از مناطق تحت کنترل خود را از دست داده اند. از طرف دیگر تلاش برای متوقف کردن جنگ ادامه دارد و روز ۲۴ آپریل هتیتی به سرپرستی نجم الدین کریم شهردار کرکوک و هادی عامری رئیس حشد شعبی تشکیل جلسه دادند و دو طرف خواهان متوقف شدن جنگ شدند. همچنین روز ۲۵ آپریل شهردار دوزخورماتو با رئیس حشد شعبی باز هم مذاکره کرده است.

لازم به ذکر است که این چندمین بار است که جنگ و درگیری در بین این نیروها رخ می دهد و هر بار هم تعداد زیادی از مردم عادی قربانی این جنگها می شوند. نیروهای حشد شعبی بعد از حمله داعش به عراق تشکیل شده و از طرف دولت عراق و همچنین در بسیاری از مناطق و از جمله در شهر دوزخورماتو از طرف رژیم اسلامی ایران مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند، از طرف دیگر احزاب حاکم بر اقلیم کردستان هر یک و بنا بر مصلحت خود در این جنگ شرکت می کنند و عملاً جنگی ویرانگر قومی مذهبی در این مناطق برقرار است و مردم کارگر و زحمتکشی که سالها بدون جنگ و درگیری در کنار هم زیسته اند اکنون نه تنها گرفتار چنین جنگی شده اند بلکه از قربانیان اصلی این جنگ می باشند.

حقوق معلمان همچنان با تاخیر پرداخت می شود!

روز شنبه ۲۳ آپریل پشتیبانان صادق وزیر آموزش و پرورش اقلیم کردستان اعلام کرد که: " هر وقت حکومت پول داشته باشد، حقوق به

تاخیر افتاده ۱۵ روز آخر ماه سپتامبر ۲۰۱۵ معلمان پرداخت خواهد شد". لازم به ذکر است که معلمان در اقلیم کردستان در ماههای گذشته اعتراضات پر شوری را علیه به تعویق افتادن حقوقهایشان پیش بردند و خواهان پرداخت فوری حقوق های خود شدند، اما همچنان که در پیام وزیر آموزش و پرورش پیداست، اینها باز هم می خواهند معلمان را با وعده و وعید به سر کلاسهای درس بفرستند بدون اینکه حاضر باشند نه تنها حقوق ۱۵ روز ماه سپتامبر بلکه حقوق به تعویق افتاده چندین ماه گذشته معلمان را پرداخت کنند.

گشته و زخمی شدن چهار کارگر در شهر سلیمانیه!

روز شنبه ۲۳ آپریل چهار کارگر ساختمانی در شهر سلیمانیه هنگامی که در داخل بیل یک لودر بودند، بر اثر واژگون شدن لودر یکی از آنها به اسم محمود حناته جان خود را از دست می دهد و سه نفر دیگر نیز شدت زخمی می شوند. عثمان زندانی رئیس تشکل کارگران ساختمانی در این باره می گوید، از ابتدای امسال تا هم اکنون چهار کارگر ساختمانی در حین کار جانشان را از دست داده اند. وی همچنین گفت همه کارگران این حادثه کارگران مهاجر کرد سوریه ای بوده اند که به دلیل جنگ آواره اقلیم کردستان شده اند. یکی از دلایل مهم سوانح کار و جانباختن کارگران در اقلیم کردستان، نبود ایمنی محیط کار است که بورژوازی حاکم و سرمایه داران مفت خور در کنار درآمدهای میلییاردی خود کوچکترین توجهی به امنیت و سلامت کارگران نمی کنند. متأسفانه اینجا در اقلیم کردستان نیز کارگران مهاجر که هم اکنون تعدادشان به دهها هزار نفر میرسد از کمترین حقوق و مزایای کار برخوردارند و انگار چنین سوانح دلخراشی به امری عادی و روزمره در میانشان تبدیل شده.

مسعود بارزانی و پیامش خطاب به روزنامه نگاران!

روز ۲۱ آپریل مسعود بارزانی رهبر خود گمارده اقلیم کردستان، در صد و هیجده همین سالگرد انتشار اولین روزنامه به زبان کردی پیامی صادر کرد که در قسمتی از آن آمده است: "الان که کشورمان حساسترین لحظات خود را می گذراند و در مقابل امتحان بزرگی قرار گرفته، وظیفه روزنامه نگاران این است که با قلم های خود و با روحیه ای مبارزه جویانه از مردم و کشورشان حمایت کنند". مسعود بارزانی که از ۲۰ آگوست سال ۲۰۱۵ با قلدری و زور همچنان بعنوان "رهبر اقلیم کردستان" خود را به مردم معرفی می کند چنان کارنامه خونینی علیه روزنامه نگاران و آزادیهای سیاسی و اجتماعی دارد که پیام کنونیش جز خاک پاشیدن به چشم توده مردم زحمتکش و روزنامه نگاران مبارز و آزادیخواهی که با وجود همه سرکوبگریهای بارزانی و حزبش علیه سلطه مافیائی اینها قد علم کرده اند نمی باشد.

اطلاعیه گروه اعتراضی مردم!
بر اساس اطلاعیه ای که "گروه اعتراضات مردم" روز ۲۲ آپریل منتشر کرده، گروه زیادی از کارمندان بیمارستانها طی اطلاعیه ای از حکومت اقلیم خواسته اند که دستمزدهای معوقه آنها را فوری پرداخت کند. در اطلاعیه گروه اعتراضات مردم آمده که کارمندان بیمارستانها و تشکل های آنها از روز ۱۸ آپریل به مدت ده روز به دولت مهلت داده اند که حقوقهایشان را پرداخت کنند و در غیر این صورت دور دیگری از اعتراضات خود را شروع خواهند کرد. همچنین این اطلاعیه می افزاید که پیشمرگان بازنشسته نیز که تنها حقوق ماه اول سال جاری را دریافت کرده اند، دولت را تهدید کرده اند که در صورت پرداخت نکردن حقوقهای معوقه اشان دست به اعتراض خواهند زد.

گزارشی از نقض حقوق بشر!
روز ۲۲ آپریل سوران عمر رئیس کمیسیون حقوق بشر در پارلمان اقلیم کردستان طی نوشته ای اعلام کرده که، سه عضو یک سازمان که

عظیم زاده رییس اتحادیه آزاد کارگران ایران در دو بیانیه جداگانه به دلیل عدم رعایت قانون و عدم توجه به خواستههای صنفی اعلام اعتصاب غذا نموده اند. گرچه ما فرهنگیان، از جان مایه گذاشتن این عزیزان را نمی پسندیم ولی چون خواسته برحق آنان را خواسته خود می دانیم، قاطعانه از آنان حمایت کرده و با تمام وجود خواستار آزادی بی قیدوشرط تمامی فعالان صنفی کشور هستیم.

کانون صنفی فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری
سوم اردیبهشت ۹۵

دستگیری در نرده

ششم اردیبهشت ماه، شهاب

از صفحه ۴ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

احمدی آذر در منزل شخصی اش در یکی از محلات نرده بازداشت شد. شهاب احمدی زاده دانشجوی مقطع دکترا، یکی از نامزدهای انتخابات اسفندماه گذشته بود که از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده بود. نیروهای امنیتی، منزل شهاب را مورد تفتیش قرار داده ند و لپ تاپ، تبلت، موبایل، برخی از کتب و جزوات نیز با خود برده اند. شهاب احمدی زاده بارها پس از احضار و بازجویی، به بهانه تبلیغ و هواداری از احزاب گرد اپوزیسیون حکومت اسلامی، مورد شکنجه و اذیت و آزار نیروهای وزارت اطلاعات قرار گرفته است.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

بر اساس گزارشهای منتشر شده، رئیس آموزش و پرورش سلیمانیه اعلام کرده که آنها اول مه روز جهانی کارگر را تعطیل می کنند و درخواست حکومت برای تعطیل روز دیگری را به جای این روز رد می کنند.

زنی رها شده از دست داعش کاندید جایزه نوبل!

نادیه مراد یکی از زنان ایزدی شنگال که توسط گروه جنایت پیشه داعش اسیر می شود و بعدها توانسته از دست این گروه جنایت پیشه بگریزد، کاندید دریافت جایزه نوبل شد. نادیه مراد در سال گذشته با سفر به نیویورک و ارائه گزارشی از توحش داعش نسبت به زنان اسیر ایزدی به سازمان ملل خواهان تلاش کشورهای دنیا برای از بین بردن این گروه جنایت پیشه شده بود. همچنین گفته می شود که اخیراً اسم نادیه مراد در مجله تایم آمریکا جز ۱۰۰ نفر اول تاثیر گذارترین فرد دنیا ثبت شد. *

در اوائل سال ۲۰۱۲ دستگیر شده اند، پس از نزدیک به دو سال از اتمام حکم زندانشان هنوز هم آزاد نشده اند. در بخشی از نامه سوران عمر آمده "آن سه نفر در اولین ماه سال ۲۰۱۲ دستگیر می شوند و به بمدت سه سال بدون دادگاهی در زندان می مانند، بعد از آن در دادگاهی حکم دو سال زندان می گیرند و قرار بوده در ماه دوازده سال ۲۰۱۴ آزاد شوند، اما آنها هنوز در زندان هستند و خبری از آزادی آنها در دست نیست. لازم به ذکر است که زندانهای اقلیم کردستان که عمدتاً توسط اتحادیه میهنی و حزب دمکرات اداره می شود، چنان زندانیان را مورد آذیت و آزار قرار می دهند که بسیاری از آگاهان و کسانی که اطلاعی از اوضاع داخل زندانها دارند آنرا بسیار وحشیانه تر از زندانهای قبلی حکومت بعث عراق توصیف می کنند.

آموزش و پرورش سلیمانیه روز جهانی کارگر را تعطیل می کند!

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!